



The University of Tehran Press

The Jurisprudence of the Court of Arbitration for Sport in Combating "Match-Fixing"

Amirsaed Vakil¹  | Ahmad Ebrahimi² 

1. Assistant Prof., Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: yakil.a@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; Ph.D. in Public International Law, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: ae.ebrahimi@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Pages: 2225-2251 Received: 2024/08/04 Received in Revised form: 2024/11/16 Accepted: 2025/02/03 Published online: 2025/09/23 Keywords: <i>Court of Arbitration for Sport, international sports law, match-fixing.</i>	Match-fixing destroys the most fundamental aspect of sports which is the "unpredictability" of the outcome of the game. The spread of this phenomenon and its entanglement with gambling and irregular betting has doubled the need to deal with it in a comprehensive way and with the cooperation of stakeholders. This article, with the method of content analysis, intends to deal with the Jurisprudence and judicial policy of the Court of Arbitration for Sport as one of the main pillars of international sports law in combating this phenomenon. This article aims to provide an accurate evaluation of the rules on this subject and to answer the question whether the the Court of Arbitration for Sport, has created an effective solution to "match-Fixing" in light of the international instruments on corruption. The final evaluation indicates that the jurisprudence of the court has provided effective solutions for combating this phenomenon, but in terms of preventing it, it seems that it has not yet been able to be effective and useful.
How To Cite	Vakil, Amirsaed; Ebrahimi, Ahmad (2025). The Jurisprudence of the Court of Arbitration for Sport in Combating "Match-Fixing". <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (3), 2225-2251. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.379901.3573
DOI	10.22059/jplsqt.2025.379901.3573
Publisher	The University of Tehran Press. 



رویه دیوان داورى ورزش در مقابله با «تبانی در نتیجه بازی»

امیر ساعد وکیل^۱ | احمد ابراهیمی^۲

۱. استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: vakil.a@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ دانش آموخته دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ae.ebrahimi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	پدیده «تبانی در نتیجه بازی» به عنوان یکی از مهم ترین تهدیدات، اساسی ترین جنبه ورزش را که پیش بینی ناپذیر بودن نتیجه بازی است، از بین می برد. گسترش این پدیده و گره خوردن آن با قمار و شرط بندی های بی قاعده، ضرورت مقابله با آن را به شیوه ای جامع و با همکاری ذی نفعان ورزشی، دوچندان نموده است. نوشتار حاضر در نظر دارد با روش تحلیل محتوی، به نقش، رویه و سیاست قضایی دیوان داورى ورزش به عنوان یکی از ارکان اصلی حقوق بین الملل ورزش در برخورد با این پدیده پرداخته و با تجزیه و تحلیل آرای صادره، ارزیابی دقیق تر و صحیح تری از ضوابط و ضمانت اجراهای حاکم ارائه کرده است و به این پرسش پاسخ می دهد که رویه دیوان با در نظر گرفتن آرای صادره، تا چه اندازه راهکار مؤثری در مقابله با تبانی در نتیجه بازی با توجه به راهکارهای موجود در اسناد بین المللی مقابله با فساد، ایجاد کرده است. ارزیابی نهایی حاکی از آن است که رویه قضایی دیوان، در زمینه برخورد و مقابله با این پدیده، راهکارهای مؤثری ارائه کرده، لکن به نظر می رسد در حوزه پیشگیری، رویه دیوان، هنوز توانسته است خیلی مؤثر و مفید واقع شود.
صفحات: ۲۲۵-۲۲۵۱	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱	
کلیدواژه ها: تبانی در نتیجه بازی، حقوق بین الملل ورزش، دیوان داورى ورزش.	
استناد	وکیل، امیر ساعد؛ ابراهیمی، احمد (۱۴۰۴). رویه دیوان داورى ورزش در مقابله با «تبانی در نتیجه بازی». <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۳)، ۲۲۵-۲۲۵۱. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.379901.3573
DOI	10.22059/jplsqt.2025.379901.3573
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

دیوان داورى ورزش^۱ را که صلاحیت گسترده‌ای برای رسیدگی به اختلافات بین‌المللی ورزشی داشته و دارای آیین رسیدگی منعطف، سریع و ارزان است، می‌توان نهاد مؤثر برای مقابله با پدیده تبانی در نتیجه بازی^۲ دانست. هرچند رویه قضایی دیوان در مورد پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی، سابقه طولانی نداشته و نسبتاً جوان است^۳، لکن گسترش این پدیده به صورت کمی و درگیر شدن رشته‌های مختلف ورزشی به آن و همچنین متوسل شدن افراد متهم به تبانی که در اعتراض به آرا و تصمیمات صادره سازمان‌های ورزشی بین‌المللی به دیوان مراجعه می‌کنند، بی‌شک روند رسیدگی‌ها در دیوان را در سال‌های آتی تشدید خواهد کرد. از این رو بررسی رویه و سیاست قضایی این نهاد قضایی در رسیدگی به پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.

ضرورت دیگر تحلیل رویه قضایی دیوان این است که شناسایی جوامع تصمیم‌گیری و ارتباط بین آنان، از پیچیدگی تصمیمات می‌کاهد و آن را به مدل قابل مدیریت و دقیق تبدیل می‌کند. از آنجا که هیأت‌های منصفه دیوان سعی کرده‌اند رویکردی نسبتاً هماهنگ برای مسائل حقوقی رایج ناشی از تبانی در نتیجه بازی، اتخاذ کنند، ضمن درک اینکه آرای دیوان می‌بایست به صورت مورد به مورد، تجزیه و تحلیل شوند، بی‌شک نیاز به شناسایی ساختارها، می‌تواند ضمن تکمیل قوانین یا ایجاد قواعد حقوقی جدید، کمک حقوقی شایانی به ذی‌نفعان پرونده‌ها، قضات و وکلا کند.

این تحلیل همچنین دارای ارزش آموزشی است. شناسایی رویه‌ها می‌تواند تا حد زیادی به درک و هدایت نظم حقوقی فراملی کمک کند. اگر بتوانیم تشخیص دهیم که رویه دیوان از ساختار منسجم و پیش‌بینی‌پذیر پیروی می‌کند، این امر از وجود یک نظم حقوقی فراملی حمایت می‌کند و برای ارزیابی وجود نظم حقوقی فراملی مبتنی بر رویه قضایی، مناسب است. به بیان ساده‌تر، در نظم حقوقی مبتنی بر قانون که به خوبی کار می‌کند، انتظار داریم تصمیماتی را که به یک موضوع با استناد به یکدیگر پرداخته‌اند، بباییم (Lindholm, 2019: 146). از طرف دیگر با توجه به اصلاحات نظارتی و ابتکارات جدید در مبارزه با تبانی در نتیجه بازی توسط نهادهای ملی و بین‌المللی ورزشی، تناقض‌های مقرراتی متعددی بین ورزش‌های مختلف به وجود خواهد آمد که راه را برای بحث‌های حقوقی جدید که باید توسط هیأت‌های منصفه در آینده تصمیم‌گیری شود، هموار می‌کند. بنابراین زمینه کافی برای توسعه در رویه قضایی آینده دیوان وجود خواهد داشت (Barak & Koolaard, 2014: 23-24).

با توجه به ضرورت‌های بیان‌شده، در این نوشتار سعی داریم با بررسی اصول حقوقی مورد استناد

1. The Court of Arbitration for Sport - CAS

2. Match-Fixing

۳. اولین پرونده رسیدگی‌شده با عنوان خاص تبانی در نتیجه بازی، پرونده باشگاه پویدار در سال ۲۰۰۹ است.

دیوان، همراه با تحلیل مهم‌ترین آرای صادره در موضوع مورد بحث، ارزیابی دقیق‌تر و صحیح‌تری از ضوابط و ضمانت اجرای احکام ارائه کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که رویه دیوان داورى ورزش با در نظر گرفتن آرای صادره، تا چه اندازه راهکار مؤثری در مقابله با تبانی در نتیجه بازی (با توجه به راهکارهای موجود در اسناد بین‌المللی مقابله با فساد) ایجاد کرده است؟

وجه تمایز پژوهش حاضر این است که سعی دارد با استفاده از روش تحلیل محتوا (توصیفی-تحلیلی) به نقش مؤثر دیوان بپردازد و زمینه و بستر لازم را برای مقابله و مبارزه مؤثر با پدیده تبانی در نتیجه بازی فراهم آورد.

۲. مفهوم‌شناسی تبانی در نتیجه بازی

اصطلاح Match-Fixing علی‌رغم کاربرد فراوان در مقالات و پژوهش‌های جدید در حوزه فساد در ورزش بین‌المللی، واژه بسیار کم‌کاربردی در حقوق ورزشی کشور ما بوده و معادل فارسی دقیقی برای آن تعیین نشده است، از این‌رو با توجه به جمیع جهات در این نوشتار از معادل فارسی تبانی در نتیجه بازی برای آن استفاده شده است.^۱

۱.۲. تعریف و طبقه‌بندی تبانی در نتیجه بازی

علی‌رغم تعاریف متعدد، دیوان داورى ورزش، تعریف ارائه‌شده در ماده ۳ کنوانسیون شورای اروپا در مورد دستکاری مسابقات ورزشی (کنوانسیون مکولین) را که بیان می‌دارد:^۲ «دستکاری در مسابقات ورزشی عبارت است از ترتیب، فعل یا ترک عمدی با هدف تغییر نامناسب «نتیجه» یا «روند» یک مسابقه ورزشی به منظور حذف تمام یا بخشی از ماهیت پیش‌بینی‌ناپذیر مسابقات ورزشی مذکور با هدف کسب امتیاز، مزیت ناروا برای خود یا دیگران»، مورد استناد قرار می‌دهد.^۳ این تعریف، در حال حاضر راهنمای تحقیق و تفحص از مجرمان از طریق اینترنت نیز است (Andreff, 2018: 14).

دقت در تعریف، نشان می‌دهد تبانی در نتیجه بازی، به صورت فرایند رخ داده و بازیگران متعددی را از نظر نقش و تأثیرگذاری در برمی‌گیرد که با انگیزه‌های متفاوت و البته متنوعی موجب دستکاری نتیجه یک رویداد ورزشی می‌شوند. به همین علت، طبقه‌بندی این پدیده بر اساس «منشأ انگیزه اقدام»،

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص مفهوم‌شناسی پدیده تبانی در نتیجه بازی به مقاله نویسنده حاضر با عنوان ماهیت حقوقی تبانی در نتیجه بازی در حقوق بین‌الملل ورزش مراجعه کنید.

۲. در این سند از اصطلاحات دستکاری و تبانی در نتیجه بازی به‌طور مترادف استفاده شده است.

3. Council of Europe Convention on the Manipulation of Sports Competitions, 18 September 2014, Article 3.

می‌تواند در راستای کشف، شناخت و مقابله بهتر با آن، مفید باشد. دیوان داورى ورزشى نیز در رأى فرباغچه، به این دسته‌بندى صحنه می‌گذارد و تبانى در نتیجه بازی را در دو دسته کلاسیک و مدرن، طبقه‌بندى می‌کند. در تبانى کلاسیک، شرکت‌کنندگان قصد دارند بر نتیجه مسابقات با انگیزه برنده شدن به نفع خود، تأثیر بگذارند و در تبانى مدرن، انگیزه اشخاص ثالث استفاده از بازارهای شرط‌بندى است (CAS, 2013/3256: Paras.125-129).

تبانى در نتیجه بازی با انگیزه ورزشى (کلاسیک)، به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن تبانى برای اثرگذاری بر نتیجه بازی از طریق دخالت در نتیجه یا فرایندهای حین یک مسابقه، صورت می‌گیرد و در آن حداقل یک منفعت مالی مستقیم یا غیرمستقیم وجود دارد. در این حالت اگر رفتار، فسادآمیز نبوده و بیشتر تاکتیک بازی باشد، تخلف و جرم نیست، اما در غیر این حالت و زمانی که تبانى با نقض یا تخلف از مقررات و آیین‌نامه‌های ورزشى (فارغ از وجود یا نبود عنصر مالی)، همراه است، باید به‌عنوان یک تخلف انضباطی با مجازات‌های متناسب با آن برخورد کرد.

تبانى مرتبط با قمار یا شرط‌بندى (مدرن)، زمانی شکل می‌گیرد که افراد ثالثی با استفاده از ترکیبی از پلتفرم‌های شرط‌بندى ورزشى (قانونی یا غیرقانونی)، یک پدیده تبانى را برای به‌دست آوردن منافع مالی غیرقانونی هدایت کرده و بخشی از سود را با افراد مرتبط با ورزش که تبانى را در زمین بازی اجرا کرده‌اند، تقسیم می‌کنند (UNODC & ICSS, 2016: 2)، در این وضعیت تبانى به‌عنوان یک جرم در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند با برخورد کیفری مواجه شود.

۲.۲. ماهیت حقوقی تبانى در نتیجه بازی در حقوق بین‌الملل ورزش

در دو دهه اخیر، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، شورای اروپا و اینترپل نیز در زمینه برخورد با پدیده‌های فسادزا، فعال‌تر بوده‌اند. سازمان ملل از طریق کنوانسیون علیه فساد^۱ (کنوانسیون مریدا) به‌عنوان تنها سند قانونی الزام‌آور جهانی مبارزه با فساد (UNODC, 2021: 40) و کنوانسیون علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی^۲، چارچوب حقوقی بین‌المللی مهمی برای جرایم مرتبط با فساد ایجاد کرده‌اند، اما از آنجا که اغلب وضعیت‌های تبانى در نتیجه بازی، با انگیزه‌های ورزشى بوده و ارتباط میان آن با قمار و جرایم سازمان‌یافته، به‌آسانی میسر نیست، امکان استفاده از این چارچوب‌های حقوقی بسیار اندک است. کنوانسیون مکولین به‌عنوان اولین سند بین‌المللی که دستکاری در مسابقات را تعریف می‌کند (Primorac & Pilić, 2020: 358)، می‌تواند چارچوب حقوقی مناسبی برای آینده مقابله با این پدیده،

1. United Nations Convention against Corruption (UNCAC)

2. United Nations Convention against Transnational Organized Crime (UNTOC)

باشد. تمرکز کنوانسیون، شناسایی اعمالی است که در دستکاری مسابقات باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند، هرچند از تحمیل ایجاد یک جرم کیفری خاص هماهنگ (یا مدل) در قوانین داخلی هریک از طرفین در این زمینه، خودداری کرده و جهت تضمین یک سیستم اجرایی کارآمد، گستره وسیعی از مجازات‌های کیفری و انضباطی را در نظر گرفته و در مواد ۱۵ تا ۱۸، از طرف‌ها می‌خواهد که اطمینان حاصل کنند که مجازات‌ها مؤثر، متناسب و بازدارنده‌اند (UNODC, 2016: 20).

تصویب منشور و مقررات جنبش المپیک در مورد پیشگیری از دستکاری مسابقات^۱ نیز از مهم‌ترین اقدامات کمیته بین‌المللی المپیک در مقابله با تبانی است که در آن مقرراتی هماهنگ و استانداردهایی را بین جنبش ورزشی در سطح جهانی ارائه و در ماده ۲.۹ بیان می‌دارد: «نقش کمیته...حفاظت از ورزشکاران پاک و یکپارچگی ورزش، از طریق...اقدام علیه همه اشکال دستکاری در مسابقات و فسادهای مرتبط است» (IOC, 2021 Edition: Art 2.9). همچنین اختیارات سیستم اطلاعاتی واحد یکپارچگی شرط‌بندی را از المپیک به سایر رویدادهای ورزشی جهانی گسترش داده و در نهایت تصمیم به ایجاد واحد مستقل نهضت المپیک در مورد جلوگیری از دستکاری در مسابقات، برای نظارت بر اجرای دستورالعمل نهضت المپیک توسط سازمان‌های ورزشی گرفته است.

نگاهی اجمالی نشان می‌دهد که به دلایل مختلف از دیدگاه ساختارها و ارکان حقوق بین‌الملل ورزش، ماهیت حقوقی تبانی در نتیجه بازی کماکان ماهیت انضباطی است که می‌بایست به‌عنوان یک تخلف انضباطی با مجازات‌های متناسب به‌ویژه محرومیت‌های کوتاه‌مدت، بلندمدت یا مادام‌العمر روبه‌رو شود، چراکه این اعتقاد وجود دارد که اختیارات انضباطی سازمان‌های ورزشی به‌شرطی که در راستای محدودیت‌های قانونی اعمال شوند، ابزار قهری سریع و کارآمدی در مبارزه با دستکاری مسابقات ورزشی در رابطه با ورزشکاران و مسئولانی است که تحت نظارت خود دارند (UNODC, 2021: 44). در این دیدگاه بیشتر به شکلی از تبانی توجه می‌شود که ایجادکنندگان آنها اغلب دارای انگیزه‌های ورزشی (اعم از مالی یا غیرمالی) هستند و از مرتبط کردن این ذی‌نفعان با سایر جرایم کیفری خودداری می‌شود.

دیوان هم به‌صراحت بیان می‌دارد: «مجازات‌های انضباطی اعمال‌شده توسط سازمان‌های ورزشی تابع قانون مدنی است و باید به‌وضوح از مجازات‌های کیفری متمایز شود» (CAS, 2006/1102: Para.52)، اگرچه مجازات‌های انضباطی و کیفری ممکن است مکمل یکدیگر باشند. ماهیت حقوقی مجازات‌های ورزشی هم که ممکن است شامل اخطار، محرومیت، سقوط و جریمه باشد، توسط دادگاه فدرال سوئیس در پرونده گاندل بیان و از آنها به‌عنوان مجازات‌های قانونی، یعنی نوعی مجازات قراردادی یاد شده است (UNODC, 2016: 14).

1. Olympic Movement Code on the Prevention of the Manipulation of Competitions

۳. رویه قضایی دیوان داوری ورزش در رسیدگی به پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی

دیوان داوری ورزش یک رکن داوری است و تصمیمات آن هیچ‌گونه اثر الزام‌آور حقوقی به‌عنوان سابقه ندارد؛ یعنی دکتین پیروی از رویه قضایی یا قاعده صدور رأی بر مبنای سابقه موجود^۱ در رویه قضایی دیوان شناخته نشده است (وکیل، ۱۳۹۴: ۱۲۰)، لکن در موارد مناسب و تا زمانی که هیچ‌گونه توجیهی (از نظر قانونی یا واقعیت) برای انحراف از اصول مندرج در آرای قبلی وجود نداشته باشد، هیأت‌های منصفه تمایل زیادی به پیروی از تصمیمات و آرای قبلی در رابطه با موضوعات یکسان دارند (Barak & Koolaard, 2014: 23). مقصود ما از رویه قضایی در این نوشتار، صرفاً اشاره به آرای که در گذشته صادر شده و به‌عنوان سابقه قضایی^۲ استفاده می‌شود، نیست، بلکه توجه به چشم‌اندازی است که می‌توان از درون آرای صادره، استخراج و به توسعه نظام حقوقی حاکم بر دیوان کمک کرد.

رویه و رویکرد اصلی دیوان در رسیدگی به پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی، «رویکرد تحمل صفر»^۳ است. دیوان به‌صراحت اعلام می‌کند: «...از نظر هیأت منصفه ضروری است که سازمان‌های ورزشی در برابر انواع فساد، رویه تحمل صفر را نشان دهند و مجازات‌هایی را اعمال کنند که به‌عنوان بازدارنده مؤثر برای افرادی که ممکن است از طریق طمع یا ترس برای دخالت در چنین فعالیت‌های مجرمانه‌ای وسوسه شوند، باشد» (CAS, 2010/2172: Para.47).

۱.۳. توسعه صلاحیت‌های دیوان در پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی

اگرچه دیوان، دارای صلاحیت رسیدگی‌ها عادی، رسیدگی‌های استیناف و میانجیگری است، اما همچنان عمده رسیدگی‌های دیوان مربوط به درخواست استیناف توسط ورزشکاران از جمله افراد متهم به تبانی است که تصمیمات متخذه توسط نهادهای ورزشی خود را مورد اعتراض قرار می‌دهند. این افزایش مراجعات به دیوان، سبب توسعه صلاحیت‌های موضوعی و شخصی دیوان شده است.

۱.۱.۳. توسعه صلاحیت موضوعی دیوان

دیوان در آرای خود، تعریف کنوانسیون مکولین و محدوده مقرراتی را که فدراسیون‌های بین‌المللی برای دستکاری و تبانی دارند، مورد استناد قرار می‌دهد. هرچند هنوز بیشتر آرای صادره، شامل مواردی از تبانی است که به‌طور معمول نتیجه یک مسابقه با عملکرد ضعیف بازیکنان همراه با شرط‌بندی‌های باارزش، روی شکست یک تیم با نتیجه مشخص، روی داده است، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که صلاحیت موضوعی دیوان در

1. Doctrine of Stare Decisis

2. Precedent

3. Zero Tolerance

خصوص تبانی در نتیجه بازی، کاملاً بی‌شکل و انعطاف‌پذیر بوده و بسیاری از رفتارهای غیرقانونی یا ناعادلانه که ممکن است به تبانی منجر شود، در نظر گرفته می‌شود (Diaconu et al., 2021: 39-40).

دیوان، امروزه فقدان منفعت مالی را در یک پرونده تبانی، تعیین‌کننده این واقعیت نمی‌داند که تخلفی وجود ندارد، که نشانه‌ای از توسعه صلاحیت‌های خودش است (CAS, 2011/2362: Para.64). همچنین در رویه دیوان، تلاش برای انجام تبانی، لزومی ندارد که حتماً با موفقیت همراه باشد، بلکه صرف اقدام برای تبانی برای مسئولیت کافی خواهد بود (CAS, 2011/2490: Para.62). دیوان در پرونده اسکی شهیراسپور، تلاش‌های یک باشگاه ثالث را برای ارائه پاداش به بازیکنان تیم رقیب خود برای شکست آنان (با توجه به تأثیر واضح آن بر نتیجه مسابقه)، نقض مقررات اداری دانسته و خاطرنشان می‌کند که پاداش‌های شخص ثالث با تغییر ساختارهای تشویقی، یکپارچگی مسابقات را به‌طور گسترده به خطر می‌اندازد (CAS, 2014/3628: Paras.113-120).

دیوان عدم گزارش‌دهی یک رویداد تبانی را توسط بازیکنان و سایر ذی‌نفعان نیز، نقض اصول وفاداری، صداقت و اخلاق ورزشی دانسته و وظیفه بازیکنان را برای همکاری کامل با مقامات ورزشی در تلاش برای جلوگیری از دستکاری مسابقات، یک تعهد می‌داند. در پرونده گاراس (CAS, 2022/8651: Para.184) دیوان استدلال یوفا را مبنی بر اینکه در ماده ۱۲ مقررات یوفا قید شده که این گزارش‌دهی می‌بایست کامل باشد و فوراً و داوطلبانه^۱ انجام شود، می‌پذیرد (همانند پرونده اکمال (CAS, 2020/7366: Para.125) و در پرونده N&V، دیوان حتی استدلال ترس از واکنش‌های احتمالی باند‌های جنایتکار برای عدم گزارش یک رویداد تبانی توسط بازیکن را بر اساس مقررات انضباطی برنامه ضدفساد تنیس (TACP, 2018: Sec D, Art 3)، نپذیرفته است (CAS, 2010/2266: Para.24). با کشف رویه دیوان، بیشتر فدراسیون‌های ورزشی در قوانین یکپارچگی خود، تعهدات گزارش‌دهی را پذیرفته‌اند (Palermo & Williams, 2018: 15).

۲.۱.۳. توسعه صلاحیت شخصی دیوان

رویه قضایی دیوان، اعمال مسئولیت شخصی برای همه شرکت‌کنندگان و ذی‌نفعان رقابت‌های ورزشی که در تبانی در نتیجه بازی نقش دارند، بوده و با اعمال مقررات مسئولیت سخت^۲، حتی باشگاه‌ها را به‌عنوان شخصیت حقوقی نیز واجد مسئولیت می‌داند (CAS 2013/3297, P1, No3). مسئولیت یک باشگاه در قبال اقدامات افراد مرتبط با باشگاه، به‌طور مکرر در رویه دیوان مطرح شده است. هیأت در پرونده پوبدا، خاطرنشان می‌کند که: «این واقعیت که رئیس باشگاه پوبدا به‌دلیل تبانی در نتیجه بازی مجرم شناخته شده

1. Immediately and Voluntarily
2. Strict Liability

است، برای مجازات باشگاه نیز کافی است» (CAS, 2009/1920: Para.63) و بیان می‌دارد باشگاه‌ها را حتی در صورت نبود یافته‌های مربوط به مسئولیت فردی برای افراد مشخص نیز می‌توان مسئول دانست. به همین دلیل در پرونده فترباغچه، استدلال باشگاه را مبنی بر اینکه تعلیق دادرسی علیه افراد باید مانع از اقدام علیه باشگاه شود، رد کرد و لزوم همزمانی مجازات افراد و باشگاه را پذیرفت و تأکید کرد که نیازی به شناسایی مقام خاصی که در تبانی در نتیجه بازی شرکت کرده باشد، یا بازیکن خاصی که پیشنهاد تبانی را پذیرفته باشد، برای مجازات باشگاه، نیست (Palermo & Williams, 2018: 36).

توسعه صلاحیت شخصی دیوان، فراتر از انتظار هم بوده و به مسئولیت نیابتی^۱ و حتی تبانی در نتیجه بازی احتمالی^۲ نیز گسترش پیدا کرده است. برای نمونه ماده ۴۴ قانون انضباطی فدراسیون فوتبال لیتوانی دامنه فعالیت خود را حتی به تبانی احتمالی گسترش داده و مقرر می‌دارد: «در مواردی که داده‌های کافی برای تأیید تبانی در نتیجه بازی وجود نداشته باشد، بررسی «رفتار» شرکت‌کننده در طول مسابقه می‌تواند این امکان را فراهم کند که چنین شرکت‌کننده‌ای مرتکب تبانی شده باشد و باید با محرومیت از مسابقه، مجازات شود» (Palermo & Williams, 2018: 27).

واحد یکپارچگی تنیس هم توصیه به اعمال مسئولیت نیابتی دارد؛ بدین معنی که باید برای یک بازیکن بابت تخلفی که توسط یکی از نزدیکانش انجام شده، در صورتی که او «می‌دانسته» و یا به‌طور منطقی «باید می‌دانسته»، اما گزارش نداده، مسئولیت تضامنی قائل شد و برای بازیکن موردنظر هم جریمه‌های مالی و غیرمالی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر در چنین حالتی مسئولیت به بازیکنانی تعمیم داده می‌شود که بر اساس وظایف قانونی، انضباطی و یا قراردادی خود به‌طور مستقیم در تبانی در نتیجه بازی دخیل نبوده‌اند (Palermo & Williams, 2018: 39-40). اهمیت موضوع از این حیث است که دیوان در رسیدگی‌های خود به قوانین و مقررات فدراسیون‌های بین‌المللی پایبند است.

۴. استناد به اصول حقوقی در آرای دیوان در پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی

دیوان در رسیدگی به پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی، از اصول اساسی حقوقی از جمله اصل قانونی بودن مجازات، اصل تناسب و اصل منع محاکمه مضاعف در کنار سایر اصول عمومی حقوق، استفاده می‌کند.

۴.۱. کاربرد اصل قانونی بودن مجازات در آرای دیوان

اصل قانونی بودن مجازات^۳، نقش مهمی در توسعه رویه قضایی دیوان و ایجاد مبنای قانونی اقدامات

1. Vicarious liability

2. Presumed Match-Fixing

۳. برابر این اصل: هیچ مجازاتی را نمی‌توان به افراد تحمیل کرد مگر اینکه نوع و میزان آن قبلاً در قانون تعیین شده باشد.

انضباطی و اداری برای رسیدگی‌های دیوان در پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی دارد. هیأت در پرونده فترباغچه بیان می‌دارد: «باید یک مبنای قانونی به اندازه کافی روشن برای اعمال یک اقدام انضباطی وجود داشته باشد... قطعیت حقوقی، ایجاب می‌کند که ماده قابل اجرا... از نظر دامنه کاربرد مادی و سرزمینی آن به اندازه کافی روشن باشد» (CAS, 2013/3256: Paras.190-192).

قانون قابل اجرا در دیوان، بدین صورت است که در رویه داورى‌های بدوی، طرفین مختارند در مورد قانون قابل اجرا در ماهیت اختلاف، توافق کنند و در صورت عدم توافق، قانون داورى سوئیس حاکم خواهد بود (که معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نیز شامل می‌شود)، اما در رویه تجدیدنظرخواهی، داوران بر اساس مقررات مرجع مربوطه تجدیدنظر و به‌طور فرعی، طبق قانون کشوری که فدراسیون، اتحادیه یا نهاد مرتبط با ورزش در آن حضور دارد، به اختلاف رسیدگی خواهند کرد. در مراحل اولیه توسعه اصل قانونی بودن، هیأت‌های منصفه تمایل داشتند که تعهدات را از اصول کلی استخراج کنند. برای مثال در پرونده پوبدا (CAS, 2009/1920: Para.19) و از آنجا که دیوان بر اساس اصل زمان بر عمل حاکم است^۱ اقدام می‌کند، در زمان تخلف صورت گرفته، در هیچ ماده‌ای در اساسنامه ۲۰۰۴ و مقررات انضباطی ۲۰۰۴ یوفا به‌طور خاص به تبانی در نتیجه بازی اشاره نشده بود، از این رو دیوان بر اساس اصل قانونی بودن مجازات، تخلف را نقض اصول وفاداری، صداقت و اخلاق ورزشی تشخیص داده و در نتیجه آن را نقض مقررات انضباطی به حساب آورده و بر اساس آن نسبت به صدور رأی اقدام کرده است (Palermo & Williams, 2018: Para. 19). بدیهی است به تدریج ساختار مقررات مربوط به تبانی در نتیجه بازی به‌طور شایان توجهی تکامل یافته و در اساسنامه‌ها و مقررات انضباطی و اخلاقی فدراسیون‌های بین‌المللی ورزش‌های مختلف بروز و ظهور پیدا کرده است.

۲.۴. کاربرد اصل منع محاکمه مضاعف در آرای دیوان

یکی از اصول استنادی مهم دیوان، اصل منع محاکمه مضاعف است. دیوان در پرونده فترباغچه بیان می‌دارد: «نهادهای انضباطی ورزشی نمی‌توانند شخص یا سازمانی را به سبب تخلفی که در رابطه با آن تخلف، با تصمیم قطعی نهاد دیگری بر اساس یک چارچوب قانونی تبرئه شده، دوباره محاکمه کنند» (CAS, 2013/3256, Para3: 2). البته استثنائاتی نیز وجود دارد که دیوان به آنها توجه داشته است: استثنای اول مربوط به زمانی است که شخص یا نهادی بر اساس یک چارچوب نظارتی قابل اجرا در سطح ملی تبرئه شده و دوباره بر اساس یک چارچوب نظارتی قابل اجرا در سطح قاره مورد محاکمه قرار گیرد، اینجا موضوع محاکمه مضاعف مطرح نمی‌شود (CAS, 2013/3256, Para3: 2).

1. Tempus Regit Actum

استثنای دیگر مربوط به فرایند رسیدگی دومرحله‌ای^۱ است، بدین معنی که اگر ماهیت تصمیمات اخذشده در دو دادرسی، متفاوت بوده باشد، یعنی اولین تصمیم حداقل یک اقدام اداری و تصمیم دوم یک اقدام انضباطی باشد، در چنین شرایطی، به‌طور کلی قضاوت در رسیدگی دوم امکان‌پذیر خواهد بود. تکامل ساختار مقررات تبانی در نتیجه بازی، سبب شده است فدراسیون‌های بین‌المللی این فرایند دومرحله‌ای را که شامل اقدامات واجد شرایط اداری و اقدامات انضباطی است، در مقررات خود بگنجانند. از جمله یوفا در ۲۰۰۷ با اصلاح ماده ۵۰ اساسنامه خود، فرایند دومرحله‌ای را معرفی کرد؛ در مرحله اول، اقدامات اداری سبب می‌شود باشگاه‌ها به دلیل دخالت در تبانی در نتیجه بازی به مدت یک فصل از مسابقات محروم شوند و در مرحله دوم، برای توجیه اعمال اقدامات انضباطی، نقض مشخص و واقعی، که نیاز به بررسی و رسیدگی دارد، مورد نیاز است.

تأیید رویکرد دومرحله‌ای توسط دیوان، بحث‌های حقوقی زیادی را به وجود آورده است. در پرونده فرباغچه، هیأت ضمن بررسی تفاوت‌های اقدامات اداری و انضباطی، بیان کرد: «اقدامات اداری آغازشده صرف‌نظر از عنوان آن، ماهیت انضباطی دارد، زیرا در آن نوعی مجازات اتفاق می‌افتد. اگرچه این مجازات نهایی نیست، لکن حداقل مجازات اولیه برای محافظت از یکپارچگی رقابت‌هاست، پس باید گفت ماهیت انضباطی دارد (CAS, 2013/3256: Paras.162-166)». در پرونده پورتو، بیان می‌کند: «برای پاسخ به این سؤال که آیا مفاد مقررات یوفا در مورد اقدام اداری، ماهیت انضباطی دارد یا خیر؟ باید تأییدی را که اعمال این قاعده بر مخاطب می‌گذارد در نظر گرفت. از دیدگاه مخاطب، این اقدام به شکل غیرقابل انکاری دارای ویژگی مجازاتی است زیرا شخص متأثر باید احساس کند که حذف از مسابقات به دلیل رفتار خاصی است که انجام داده و این مجازاتی برای رفتار مذکور است (CAS, 2008/1583 & 1584: Para.37) اما هیأت در بشیکتاش (CAS, 2013/3258: Para.127)، اسکی شهیراسپور (CAS, 2014/3628: Para.102) و پنوم پن (CAS, 2016/4642: Para.77)، بیان کرد که اقدامات اداری ماهیت مجازاتی ندارند و اگرچه دارای عناصر تنبیهی است، اما چنین ماهیت ترکیبی سبب نمی‌شود که تمایز بین یک اقدام اداری اولیه و به‌دنبال آن یک رویه انضباطی بعدی کاملاً امکان‌پذیر باشد. در بشیکتاش، هیأت بیان کرد هدف اصلی مقررات یوفا در ماده ۲/۰۸ به‌عنوان یک مقررات نظارتی، تعیین معیارهای واجد شرایط بودن و شرایط شرکت در مسابقات یوفاست و نه مجازات یک باشگاه. یوفا به‌دنبال حفاظت از ارزش‌ها و اهداف مسابقات، شهرت و یکپارچگی آن است و جلوگیری از شرکت باشگاهی که چنین ارزش‌هایی را نقض کرده (یک اقدام اداری)، در راستای چنین هدفی است و برای از بین بردن هرگونه سایه تردید در افکار عمومی در مورد درستی، ارزش‌ها و بازی جوانمردانه و به‌عبارتی برای حفظ

شهرت رقابت‌هاست (Silvero, 2018: 14). در پرونده اسکندربنو و سیواسپور، هیأت به تمایزهای واضح بین دو اقدام اشاره کرد، یعنی اقدامات انضباطی مستلزم نقش فعال در فعالیت‌های تباری در نتیجه بازی است، اما در اقدامات اداری، نقش منفعل و غیرمستقیم برای اقدام کافی است (بدیهی است اقدام با مشارکت و درگیر شدن متفاوت است). همچنین اغلب اقدامات اداری به سمت باشگاه‌ها هدایت می‌شود، اما اقدامات انضباطی برای همه افراد درگیر، از جمله باشگاه‌ها انجام می‌شود (CAS 2016/4650: Para.105). همچنین هیأت تأکید می‌کند با توجه به ماهیت متفاوت رسیدگی، اولاً مسائل حقوقی مربوط به اصل منع محاکمه مضاعف در بین رسیدگی‌های اقدامات اداری و انضباطی مطرح نمی‌شود (CAS 2014/3625: Para.117) (یعنی اثبات دخالت در تباری در نتیجه بازی برای اولی و مسئولیت تباری در نتیجه بازی برای دومی)؛ ثانیاً درجه و میزان تقصیر باشگاه در اقدامات اداری غیرمرتبط است و ثالثاً اقدامات اداری مشمول دوره تعویق نیست (CAS, 2014/3628: Para.136).

حال اگر همزمان برای موضوعی، هم پرونده کیفری داخلی در جریان رسیدگی باشد و هم پرونده در نهادهای نظارتی ورزشی و یا دیوان در حال بررسی باشد، وضعیت چگونه خواهد بود؟ به عبارتی آیا مثلاً یوفا حق دارد باشگاهی را طی یک اقدام اداری محروم کند، درحالی که تحقیقات داخلی در دادگاه‌های عادی در حوزه قضایی مربوطه در جریان است؟ دیوان در پرونده المپیاکوس، در پاسخ، به وضوح از این ایده حمایت کرد که یوفا (یا هر نهاد نظارتی ورزشی) برای تصمیم‌گیری نیازی به صبر کردن برای اخذ نتیجه پرونده در سطح داخلی ندارد، به‌ویژه وقتی صحبت از دادرسی کیفری می‌شود. هیأت بیان کرد: «...نه یوفا و نه دیوان، مجبور نیستند تصمیمات خود را به تعویق بیندازند، زمانی که مبارزه مؤثر برای اطمینان از یکپارچگی ورزش به اقدام سریع بستگی دارد... یوفا و دیوان از نظر رویه‌های رسیدگی، معیار و بار اثبات و ماهیت، مشمول قوانین و مقررات دادگاه‌های عادی نیستند» (CAS, 2011/2528: Para.23). از این رو به نظر می‌رسد هیأت‌ها مطابق با عبارت واضح اساسنامه یوفا و مقررات مربوط به مسابقات، از امکان اعلام محرومیت یک باشگاه، حتی اگر تحقیقات داخلی یا دادرسی علیه باشگاه و/یا افراد آن همچنان ادامه داشته باشد، حمایت کنند (Silvero, 2018: 16). همچنین حتی اگر یک پرونده کیفری به نتیجه رسیده باشد و فرد یا باشگاهی را از اتهام تباری در نتیجه بازی، تبرئه کرده باشد، این امر مانع رسیدگی در دیوان نیست. در پرونده فرباغچه، دیوان به چنین نتیجه‌ای رسید. در این پرونده، هیأت به پرونده متالیزت، اشاره کرد که در آن با اینکه دادگاه کیفری اوکراین باشگاه متالیزت را تبرئه کرد، اما دیوان به محکومیت این باشگاه رأی داد. در توجیه این اقدام هیأت بیان کرد: «هیأت هنگام ارزیابی حقایق اساسی، تشخیص داد که پرونده دیوان بر اساس معیارهای اثباتی کیفری یعنی معیار فراتر از شک منطقی (مورد پذیرش دادگاه‌های کیفری)، هدایت نمی‌شود، بلکه باید با معیار رضایت بدون تردید، متقاعد شود... و در این زمینه هیأت به بیانیه یوفا پایبند است... این واقعیت که دیوان مجبور نیست یک حکم تبرئه کیفری را دنبال کند به این معنی نیست که

دیوان محکومیت کیفرى را در نظر نمى گیرد. درحالى که محکومیت کیفرى در مورد استاندارد بالاتر به طور خودکار قطعى نیست، بسیار بعید است که دادرسی در مقابل دیوان، در مورد استاندارد پایین تر رضایت بدون تردید، به نتیجه مخالفی منجر شود» (CAS, 2013/3256: Paras.543-4).

جمع بندی اینکه، رویه دیوان، پذیرش عدم نقض اصل منع محاکمه مضاعف در رویکرد دومرحله ای نهادهای انضباطی ورزشی است. بنا به تصریح دیوان، رویکرد دومرحله ای که در پرونده های تبانی دریوفا دنبال می شود، اصل منع محاکمه مضاعف را نقض نمى کند» (CAS, 2018/5734: Para.2) و به نظر می رسد اقدامات اداری بیشتر از آنکه ماهیت مجازاتی داشته باشند با رویکرد پیشگیرانه و بازدارنده طراحی شده اند.

۳.۴. کاربرد اصل تناسب در آرای دیوان

تناسب مجازات اعمال شده توسط نهادهای انضباطی فدراسیون های ورزشی (نهادهای بدوی و استیناف)، با توجه به پیامدهای جدی که بر حق ورزشکار و وضعیت مالی او دارد، از مهم ترین عناصر مورد بررسی در پرونده های تبانی در نتیجه بازی در دیوان است. بر اساس اصل تناسب^۱، مجازات نباید از آنچه منطقاً در جست و جوی هدف موجه لازم است، تجاوز کند. هر طرفی که ادعای نامتناسب بودن مجازات را داشته باشد، بار اثبات ادعای خود را بر عهده خواهد داشت.

اصل تناسب در بیشتر نظام های حقوقی سوئیس، حقوق اتحادیه اروپا و اصول عمومی حقوق ورزش به کار می رود. در حقوق سوئیس طبق این اصل، مقام عمومی و اداری در اتخاذ تصمیم باید به معنا و هدف قانون توجه کرده و در استفاده از روش ها و ابزارهای تصمیم گیری بر اساس معنی و هدف قانون اقدام کند، یعنی باید رابطه معقول و منطقی بین نتایج حاصله و تصمیم اتخاذ شده وجود داشته باشد. به عبارت دیگر قوانین وضع شده باید «قابلیت» تأمین اهداف مورد نظر (از جمله اثر بازدارندگی) را به همراه داشته باشند. از طرف دیگر هرگونه محدود کردن حقوق و آزادی های اشخاص باید در حد «ضرورت» و نه بیشتر، اعمال شود.^۲ به عبارتی از بین تدابیر متعددی که می تواند اهداف مورد نظر را تأمین کند، می بایست تدبیری اندیشیده و اتخاذ شود که کمترین لطمه را به منافع و آزادی های فردی و شخصی وارد می کند. این اصل هم به «اثر بازدارندگی مجازات» مرتبط است و هم ضرورت تعیین مجازات های شدید برای متخلف به تبانی در نتیجه بازی را شامل می شود. همچنین اگر مقام عمومی خارج از حد معقول حقوق و آزادی های اشخاص را محدود کند، دادگاه فدرال با اعمال اصل متناسب بودن تصمیم اتخاذ شده

۱. ایده اصلی تناسب این است که رأی صادره یا مجازات تعیین شده، باید متناسب با جرم بوده و باید تعادل معقولى بین نوع سوء رفتار و مجازات تعیین شده وجود داشته باشد.

2. Recueil Officiel des arrêts du Tribunal Fédéral Suisse, 95, I 16.

را ابطال می‌کند (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۳). نکته‌ی حائز اهمیت دیگر اینکه باید در هنگام وضع قوانین، منافع خصوصی و عمومی مورد توجه قرار گیرد و اثر تدبیر موردنظر نسبت به هریک از آنها ارزیابی شود تا بتوان اهمیت این تدابیر را در تأمین منافع عمومی سنجید، در غیر این صورت نامناسب تلقی می‌شود. در این مورد باید ارزش‌های حاکم بر جامعه و تجزیه و تحلیل واقعیات عینی زندگی اجتماعی و فردی با هم مقایسه شود (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۳).

با توجه به اتخاذ رویه تحمل صفر و مجازات حداکثری، هیأت در پرونده پوبدا، محرومیت مادام‌العمر را برای رئیس باشگاهی که نقش اصلی در دستکاری در مسابقه را داشت، تأیید کرد (CAS, 2009/1920: Para.72). به مراجع ذیصلاح گزارش نکرده بود، مرتکب تخلفی به اندازه کافی جدی شده بود که بتواند اشد مجازات را برای او توجیه کند، از این رو محرومیت مادام‌العمر این داور توسط هیأت تأیید شد (CAS, 2010/2172: 7). در پرونده بازیکنان کریکت پاکستان، هیأت محرومیت ده‌ساله سلمان بات، محرومیت هفت‌ساله آصف و محرومیت پنج‌ساله امیر را با اینکه مسابقه انجام شده غیررسمی بوده (و علی‌رغم ادعای بازیکن^۱)، متناسب تشخیص داد و تجدیدنظرخواهی وی را رد کرد (CAS, 2011/2364: Para.76). در پرونده بریفا، که متهم به دریافت رشوه برای انجام تبانی در نتیجه بازی بوده و با محرومیت ده‌ساله مواجه شده بود، هیأت محرومیت وی را کاهش داد، اما بیان کرد دلیل کاهش این بوده که هیأت برای انجام اصل موضوع تخلف به راحتی رضایت کسب نکرده، اما اگر چنین تخلفی ثابت می‌شد، هیأت محرومیت ده‌ساله را برای آن نامتناسب نمی‌دانست (CAS, 2018/5920: Para.130). در پرونده سزار که با موضوع واحدی مطرح شد، هیأت به دلیل تشخیص قطعی اخذ رشوه توسط بازیکن، محرومیت ده‌ساله را متناسب تشخیص داد (CAS, 2018/5906: Para.121) اما در پرونده ساموت (CAS, 2013/3062: Para.180)، از آنجا که تشخیص داد نقش اثبات شده ساموت در تبانی، نقش اصلی نبوده و در تبانی شراکت داشته است و با استناد به بند ۱ ماده ۵ مقررات انضباطی یوفا (درگیر شدن یا تلاش برای مشارکت در رشوه‌خواری فعال یا غیرفعال و/یا فساد)، محرومیت مادام‌العمر را نامتناسب تشخیص داده و آن را به محرومیت ده‌ساله کاهش داد.

۵. مسائل اثباتی در پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی از دیدگاه دیوان

از آنجا که ذی‌نفعان در یک طرح تبانی در نتیجه بازی (که اغلب متنوع هم هستند)، به دنبال ابزارهایی

۱. ادعای بازیکن که مورد تأیید هیأت هم قرار گرفت، این بود که عمل انجام شده Spot-Fixing بوده و نه Match-Fixing و بی‌شک اهمیت کمتری دارد.

هستند تا اطمینان حاصل کنند هیچ ردپایی از خود به جای نمی گذارند و اثبات انجام یا اقدام به تبانی، به خصوص آنجا که با شرط بندی های بی قاعده، قمار و بعضاً جرایم سازمان یافته مرتبط می شود دارای پیچیدگی های فراوانی است و در عمل، ماهیت پنهان رفتارها در این پدیده سبب می شود مدارک مستقیم بسیار کم و سخت به دست آیند و اغلب ارتباطات به صورت «کدرمز» هستند، از این رو در پرونده های تبانی، مسائل اثباتی یعنی ارتباط مدارک مورد استناد طرفین برای اثبات جرم و یا فرار از جرم و کافی یا ناکافی بودن مدارک، بسیار حائز اهمیت است.

از طرفی با توجه به اختیارات تحقیقاتی محدود نهادهای حاکم بر ورزش، کشف و اثبات تبانی در نتیجه بازی مستلزم سطح بالایی از همکاری بین طرف هایی است که در پی کشف تبانی هستند؛ از یک طرف نهادهای ورزشی ملی و بین المللی و از سوی دیگر پلیس و مقامات قضایی. در این زمینه ابتکارات بین المللی همچون پیشنهاد کنوانسیون مکولین مبنی بر ایجاد یک پلتفرم ملی برای جمع آوری و تحلیل اطلاعات مرتبط با شرط بندی در مسابقات ورزشی و همچنین پیشنهاد ایجاد یک پایگاه داده جهانی جرایم مرتبط با ورزش در سطح بین المللی توسط یک سازمان یا آژانس بین المللی همانند اینترپل، از جنبه اثباتی برای پرونده های تبانی، مهم و شایان توجه است. به هر حال اگرچه اثبات پرونده های تبانی در نتیجه بازی با دشواری های متعددی روبه روست، اما دیوان اغلب با استفاده از کارشناسان خبره ورزشی و در نظر گرفتن توازن احتمالات و سازوکارهای افشاگری، به پرونده ها رسیدگی می کند (Chappelet, 2015: 1268).

۵.۱. بار اثبات در پرونده های تبانی در نتیجه بازی

در پرونده های تبانی در نتیجه بازی، بار اثبات^۱ یک پرونده بر عهده مقام تعقیب کننده است، خواه سازمان مجری قانون باشد یا سازمان ورزشی (UNODC & ICSS, 2016: 32-33) هیأت های منصفه در پویدا (CAS, 2009/1920: Para.25)، فانتونی (CAS, 2016/4783: Para.45)، گاراس (CAS, 2022/8651: Para.147) و... به این امر اشاره می کنند. ماده ۸ قانون مدنی سوئیس^۲ هم در مورد بار اثبات تأکید می کند هریک از طرفین باید حقایق را که برای استناد به حقی که بر آن تکیه می کنند ثابت کنند، مگر اینکه قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد. نتیجه این امر حاکی از این است که پرونده باید علیه طرفی که چنین مدارکی را ارائه نکند، تصمیم گیری شود (CAS, 2013/3258: Para.1). همچنین بنابر رویه دیوان، زمانی که هر طرفی ادعای نامتناسب بودن یک مجازات را داشته باشد، بار اثبات ادعای خود را بر عهده خواهد داشت که عموماً تجدیدنظرخواه چنین ادعایی را مطرح می کند

1. The Burden of Proof

2. Swiss Civil Code of 10 December 1907 (Status as of 1 January 2021)

(CAS, 2013/3297: Paras.8.30-8.34). شایان ذکر است در زمینه جرایم «تبانى در نتیجه بازی احتمالى» قوانین به بازیکن اجازه می‌دهد تا مدارک خلاف ادعا علیه خود مبنی بر رد تخلف دستکاری احتمالى را ارائه دهد و همان‌طور که در پرونده پاکروجو بیان شده، نهادهای ورزشی نمی‌توانند بر اساس یک سوءظن صرف، مجازاتی را علیه اشخاص مورد اتهام وضع کنند و متهم می‌تواند مدارکی در مخالفت با اظهارات فدراسیون یا نهاد ورزشی، ارائه دهد (CAS 2015/4351: Para.89). پس هر طرفی که ادعای نامتناسب بودن یک مجازات را داشته باشد، بار اثبات ادعای خود را بر عهده خواهد داشت.

۵.۲. معیار اثبات در پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی

در یک بیان کلی، معیار اثبات^۱ برای پرونده‌های کیفری، معیار فراتر از شک منطقی^۲ و برای رسیدگی‌های انضباطی ورزشی، معیار توازن احتمالات^۳ یا رضایت بدون تردید^۴ است. (UNODC & ICSS, 2016: 33) برخی نهادهای ورزشی، معیار اثبات پرونده‌های تبانی را در مقررات خود تعیین کرده‌اند. برای مثال مقررات انجمن حرفه‌ای‌های تنیس و برنامه یکپارچه ضدفساد تنیس بیان می‌دارد: «معیار اثبات این است که آیا افسر حرفه‌ای ضدفساد تنیس، ارتکاب جرم فساد ادعایی را با استفاده از مدارک فراوان تأیید کرده است یا خیر؟»^۵ (Barak & Koolgaard, 2014: 9). مقررات لیگ اروپا یوفا که صریحاً معیار رضایت بدون تردید را تثبیت و تأیید می‌کند (CAS, 2014/3625: Para.131). ماده ۳.۱ قانون ضدفساد شورای بین‌المللی کریکت، یک معیار انعطاف‌پذیر را ارائه می‌دهد: یعنی معیار اثبات در همه پرونده‌هایی که تحت قانون ضدفساد مطرح می‌شود این است که آیا دادگاه مبارزه با فساد بدون تردید اعلام رضایت کرده است یا خیر؟ این معیار اثبات در همه پرونده‌ها باید در مقیاس انعطافی، حداقل از یک توازن احتمالی صرف (برای کمترین جرایم) تا اثبات فراتر از هرگونه شک منطقی (برای جدی‌ترین جرایم) تعیین شود (Barak & Koolgaard, 2014: 10).

هیأت در لاپتس، خاطرنشان می‌کند در مواردی که قوانین قابل اجرا در مورد معیار اثبات ساکت هستند و طرفین در مورد یک معیار مشترک نیز توافق ندارند، دیوان باید معیار مورد استفاده در آرای قبلی را اعمال کند. واقعیت این است که با توجه به جدی بودن ادعای دستکاری در یک مسابقه ورزشی، معیارهای رضایت بدون تردید در صورتی انجام شده است که درجه بالایی از اطمینان به کیفیت مدارک

۱. میزان قطعیت و درجه مدارک لازم برای کشف و اثبات یک پرونده – The Standard of Proof

2. Beyond Reasonable Doubt

۳. یعنی وقوع شرایطی که بر آن تکیه می‌کند محتمل‌تر از عدم وقوع آنهاست. The Balance of Probabilities

4. The Comfortable Satisfaction

۵. یعنی معیار تعادل احتمالات با غلبه مدارک – Preponderance of the Evidence

وجود داشته و مدارک به طور قانونی جمع آوری شده باشد (Diaconu et al., 2021: 41). اما هیأت‌های منصفه دیدگاه‌های متفاوتی در مورد مفهوم معیار اثبات دارند. در پرونده‌های کولر و ساویچ، دیوان معیار اثبات قابل قبول را غلبه مدارک دانست (Barak & Koolaard, 2014: 9-10). در پرونده آصف، معیار اثبات، معیار فراتر از شک منطقی، اعمال شد و در پرونده آدامو، هیأت دریافت که از نظر عملی، این معیار اثبات محکومیت شخصی با معیار رضایت بدون تردید که به طور گسترده توسط نهادها در دادرسی انضباطی اعمال می‌شود، مطابقت دارد (Barak & Koolaard, 2014: 10). در پرونده متالیست، هیأت بیان کرد حتی در صورت عدم شناسایی و توافق در معیار اثبات، این معیار در پرونده‌های تباری در نتیجه بازی، رضایت بدون تردید است. همین امر در پرونده‌های اولگ و المپیاکوس نیز تأیید شده (Barak & Koolaard, 2014: 11) و در پرونده گاراس نیز هیأت، به صراحت معیار رضایت بدون تردید را مورد پذیرش قرار می‌دهد (CAS, 2022/8651: Para.147).

بررسی‌ها نشان می‌دهد رویه قضایی دیوان استفاده از معیار رضایت بدون تردید با تکیه بر معیار غلبه مدارک است. اگرچه پرونده‌هایی نیز وجود دارد که در آن از معیار فراتر از شک منطقی و معیار تعادل احتمالات استفاده شده، اما رویه قضایی دیوان مکرراً کاربرد معیار اثبات فراتر از تردید منطقی را رد کرده است (Palermo & Williams, 2018: 47). علاوه بر اختلاف در ماهیت رسیدگی در این جرایم، دلیل دیگر عدم استفاده از این معیار، می‌تواند عدم دسترسی نهاد‌های ورزشی به مدارک مستقیم یا فقدان اختیارات مرتبط با تحقیقات کیفری، توسط این سازمان‌ها باشد. از این رو در مواردی که معیار اثبات مورد استفاده به طور خاص در مقررات قابل اجرای نهاد‌های ورزشی، بیان شده است، دیوان تمایل دارد از آن معیار پیروی کند، اما اگر مقررات در این مورد ساکت باشد، معیاری که اغلب در آرا اعمال شده، معیار رضایت بدون تردید است.

هیأت در پرونده سیواسپور، نوعی مقیاس شناور^۱ را نیز توضیح داده (CAS, 2014/3625: Para.132) یعنی بیشتر از معیار تعادل احتمالات صرف و کمتر از معیار فراتر از شک منطقی، با در نظر گرفتن جدیت ادعایی که مطرح می‌شود (CAS, 2013/3256: Para.277). به عبارتی استاندارد قابل اجرا، باید رضایت مطلوبی داشته باشد (Barak & Koolaard, 2014: 16). در این حالت باید مدارک کافی، صریح و متقن برای برآورده کردن این معیار اثبات وجود داشته باشد.

اهمیت وجود مدارک به گونه‌ای است که دیوان اتکا به مدارکی را که حتی بعضاً به طور غیرقانونی به دست آمده باشد، در مواردی که برای اثبات حقیقت حیاتی است، می‌پذیرد و در پرونده متالیست بیان می‌دارد که این امر خط‌مشی رویه‌ای را نقض نمی‌کند (Palermo & Williams, 2018: 56) و در

پرونده فوسیمالوهی^۱، دیوان به استناد مقررات انضباطی فیفا که بیان می‌دارد: هر نوع مدرکی می‌تواند ارائه شود و صرفاً مدارکی که کرامت انسانی را نقض می‌کند یا آشکارا به اثبات حقایق مربوطه کمک نمی‌کند، رد خواهد شد، مدارک ارائه‌شده را درحالی‌که این مدارک از طریق دخالت در زندگی خصوصی فوسیمالوهی به‌دست آمده بود، به‌سبب ضرورت کشف حقیقت، افشا و مجازات هرگونه تخلف، مورد پذیرش قرار داد (CAS, 2011/2425: Para.45).

اصولاً داوران دیوان در ارزیابی مدارک کارشناسی و وزن آنها آزادند و ممکن است هنگام ارزیابی مدارک کارشناسی در هر پرونده، این موضوع را در نظر بگیرند که آیا کارشناس منتخب، یک شخص وابسته یا واقعاً مستقل است. برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا یک سند یا یک گزارش کارشناسی واقعی و دقیق است، هیأت منصفه به ماهیت گزارش و نویسنده آن توجه می‌کند (CAS, 2018/5734: Para.2).

در مورد مدارک یک پرونده، آنچه مهم است صرفاً خود مدارک نیستند، بلکه این است که آنها می‌توانند به اندازه کافی حقایق را از دیدگاه هیأت‌های منصفه اثبات کنند. در واقع، برای متقاعد شدن، هیأت‌ها استاندارد بالایی از اثبات را اعمال می‌کنند (Diaconu et al., 2021: 40). ضمن اینکه آرای دیوان از ایجاد ارتباط بین معیار اثبات (مبتنی بر مدارک) و مجازات خودداری می‌کنند؛ یعنی چنین نیست که اگر مدارک بیشتری در دسترس نباشد، مجازات کمتری به‌طور مستقیم ضمانت می‌شود. معیار مدرک همیشه به همین صورت قابل اجراست، یعنی نیاز به اثبات تقصیر است که به مجازاتی منجر می‌شود که از درجه تقصیر ناشی می‌شود (و نه از قوت مدارک) (Diaconu et al., 2021: 43).

۶. مجازات‌ها در پرونده‌های تبانی در نتیجه بازی

تبانی در نتیجه بازی در دو سطح قابل مجازات است: سطح اول شامل مجازات‌های انضباطی (ورزشی) است که توسط نهادهای ورزشی مربوطه بر اساس سیستم تنبیه داخلی خود اعمال می‌شود؛ سطح دوم، مجازات‌های دولتی است که توسط مقامات دولتی اعمال می‌شود؛ مجازات دوم، بسته به قانون ملی قابل اجرا، ممکن است ماهیت مدنی، اداری، انضباطی یا کیفری داشته باشد. برای مثال فیکس کردن یک مسابقه فوتبال در مسابقات قهرمانی سوئیس ممکن است هم توسط فدراسیون ملی فوتبال سوئیس و هم توسط قوانین مدنی و کیفری مجازات شود. بدیهی است که از نظر دیوان، مجازات‌های ورزشی و کیفری ممکن است مکمل یکدیگر باشند (Diaconu et al., 2021: 28).

رویکرد تحمل صفر دیوان، سبب می‌شود که رویه دیوان هم به سمت و سوی تأیید مجازات‌های بعضاً سنگین اتخاذشده توسط نهادهای ورزشی، سوق پیدا کند، چراکه برای آنها نقش بازدارندگی و

۱. عضو سابق کمیته اجرایی فدراسیون بین‌المللی فوتبال

همچنین تنبیهی قائل است. اگرچه دیوان برابر ماده ۵۷ مقررات خود، دارای قدرت و اختیارات تام برای رسیدگی به پرونده است و در پرونده آت میلان، از این حق خود استفاده کرد و تصمیم به استماع مجدد و کامل تصمیم یوفا، گرفت (CAS, 2018/5808: Para.77-c)، اما اغلب بررسی خود را محدود به مجازات‌هایی می‌کند که یا آشکارا و به شدت نامتناسب با جرم (CAS 2014/3467: Para.121) و یا به طور مشخص، غیرمنطقی هستند (CAS, 2011/2364: Paras.55-56). در غیر از حالات متصور بیان شده، دیوان، استقلال و اختیارات داده شده به نهادهای ورزشی برای تنظیم امور خود را مورد توجه قرار می‌دهد و به ندرت در مجازات‌های اعمال شده توسط آنان، تغییر ایجاد می‌کند.

اگرچه هیأت‌های منصفه صلاحیت، قدرت و اختیارات تام در بررسی مجدد پرونده را دارند و با نظریات مختلفی مواجهیم، اغلب معتقدند اگرچه دیوان طبیعتاً به تصمیم نهادهای ورزشی احترام می‌گذارد، اما این یک موضوع انتخابی است و نه اجباری و هیأت باید شرایطی را در نظر بگیرد از جمله اینکه آیا مرجع انضباطی با اولین تخلف فرد یا باشگاه مواجه بوده است؟ نوع و شدت جرم چگونه بوده است؟ آیا چندین تخلف و جرم وجود داشته است یا فقط یک تخلف یا جرم؟ هیأت در پرونده اسکندربو نشان داد به این شرایط اهمیت می‌دهد و آنها را بررسی می‌کند (CAS, 2018/5734: Paras.3-4).

امروزه تأثیر منفی شدید تبانی در نتیجه بازی بر یکپارچگی ورزش و نگرانی فزاینده از افزایش این موارد، بر اتخاذ مجازات‌های سنگین، مشروعیت بیشتری می‌بخشد. رایج‌ترین مجازات، محرومیت مادام‌العمر برای افراد ذی‌نفع و محرومیت‌های کوتاه‌تر و مجازات‌های مالی، برای باشگاه‌هاست. نمونه این رویه در پرونده پوبدا، بروز و ظهور پیدا کرد که دیوان، هم محرومیت مادام‌العمر را برای رئیس باشگاه (زابرچانک) و هم محرومیت هشت‌ساله از مسابقات یوفا برای باشگاه را کافی و متناسب تشخیص داد و در توجیه اقدام خود بیان کرد: «هیأت از پیامد شدید مجازات اعمال شده علیه زابرچانک آگاه است...تبانی در نتیجه بازی از بدترین نقض‌های ممکن در یکپارچگی ورزش است، بنابراین هیأت تشخیص می‌دهد که محرومیت مادام‌العمر از هرگونه فعالیت مرتبط با فوتبال علیه زابرچانک یک مجازات مناسب بوده و نامتناسب نیست....در مورد باشگاه، هیأت مجازاتی را که توسط نهاد استیناف یوفا وضع شده است نیز مناسب می‌داند. صحبت رئیس در نیمه دوم بازی دوم نشان می‌دهد که رئیس از صحبت با کل تیم در مورد طرح تبانی نمی‌ترسد....در صورتی که تنها واکنش‌های درون باشگاه‌ها می‌تواند مانع از دستکاری بازی‌ها شود و تنها مجازات‌های شدید علیه باشگاه‌ها سیگنال لازم را به مسئولان و بازیکنان خواهد داد که حمایت مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت‌های تبانی در نتیجه بازی قابل تحمل نیست و می‌تواند عواقب شدیدی را برای کل باشگاه و نه تنها بازیگران اصلی طرح تبانی در پی داشته باشد. چنین مجازات‌هایی نه تنها باید مانع از دستکاری افراد در بازی‌ها شود، بلکه سایر اعضای باشگاه را نیز تشویق کند که در صورت آگاهی از چنین دستکاری‌هایی اقدام کنند...» (CAS, 2009/1920: Paras.68-9).

دیوان حتی مجازات‌های کوتاه‌تر اتخاذ شده توسط نهادهای نظارتی را فاقد اثر بازدارندگی می‌داند، چنانچه در پرونده کولر (CAS, 2011/2490: Para.66) و لمپتی-93 (CAS, 2017/5173: Paras.93) 4) به این مسئله اشاره می‌کند. البته دیوان در پرونده ساموت نشان داد در صورتی که ورزشکار بخشی از فرآیند تبانی بوده اما نقش اصلی نداشته و صرفاً درگیر آن شده یا یک تبانی را گزارش نکرده باشد، محرومیت مادام‌العمر، نامتناسب است و باید از محرومیت‌های کوتاه‌تر استفاده شود. از این‌رو دیوان، محرومیت ده‌ساله را برای آقای ساموت متناسب دانست (CAS, 2013/3062: Para.180).

همچنین دیوان در رویه خود، تلفیق محرومیت مادام‌العمر با مجازات‌های مالی را در پرونده کولر، برای ورزشکاران نامتناسب تلقی کرده و بیان می‌کند: «با در نظر گرفتن شرایط خاص پرونده فعلی، به نظر هیأت، اعمال مجازات مالی علاوه بر محرومیت مادام‌العمر نامتناسب است، زیرا مجازات محرومیت مادام‌العمر، بازدارندگی را که لازمه مجازات‌های جرایم فساد است، ایجاد می‌کند» (CAS, 2011/2490: Paras.70-73) و در پرونده ساویچ، نیز تأکید می‌کند: «مجازات محرومیت مادام‌العمر ناقض خط‌مشی عمومی نبوده و نامتناسب با جرم تبانی در نتیجه بازی نیست. با این حال، محرومیت مادام‌العمر به‌خودی‌خود تأثیر مالی بسیار شدیدی بر بازیکن دارد و جریمه اضافی برای بازیکن، نامناسب خواهد بود» (CAS, 2011/2621: Para.1). همچنین دیوان ممنوعیت مادام‌العمر از مسابقات را برای باشگاه‌ها، نامتناسب دانسته و پیشنهاد می‌کند همانند مبارزه با دوپینگ که از محرومیت‌های تا هشت سال استفاده می‌کنند، برای باشگاه‌ها هم استفاده شود (CAS, 2013/3256: Para.574).

رویه مجازات‌های دیوان در ورزش تنیس کمی متفاوت است. دیوان در رأی هراس، بیان می‌دارد: «ورزش تنیس بسیار در برابر فساد آسیب‌پذیر است، زیرا یک فیکس‌کننده مسابقه فقط به یک بازیکن (به یک تیم کامل) برای فساد نیاز دارد. بنابراین ضروری است که هنگامی که بازیکنی گرفتار می‌شود، دستگاه‌های حاکم سیگنال واضحی را به کل جامعه تنیس ارسال کنند که چنین اقداماتی قابل تحمل نیست» (CAS, 2018/5939: Para.74). از این‌رو دیوان در مواردی که بازیکنان از بازیکن دیگری بخواهند برای بخشی از مسابقه تبانی کنند، تأیید می‌کند که محرومیت مادام‌العمر یک مجازات متناسب است و هرگونه مجازاتی کوتاه‌تر از آن، تأثیر بازدارنده‌ای نخواهد داشت که لازم است بازیکنان را آگاه سازد که این اعمال ارزش ریسک کردن را ندارد (پرونده ساویچ و کولر). اما در مواردی که بازیکنان، مسابقه خودشان را فیکس می‌کنند (پرونده هراس)، به‌نظر می‌رسد محرومیت پنج‌ساله در مواردی که دارای ویژگی‌های مشابه هستند، در محدوده مجازات است، که در آن دوره‌های محرومیت ۵ تا ۱۰ سال (با تعلیق بخشی از این دوره) اعمال شده است (CAS, 2018/5939: Para.76).

رویه دیوان در نحوه کاهش مجازات‌ها که در پرونده سمیر عرب، به آن اشاره می‌کند، صرفاً بر اساس

مفهوم کمک/مساعدت اساسی^۱ شکل گرفته است. به این معنی که هرگونه کاهش در مجازات‌ها، مستلزم آن است که فرد متخلف یا تجدیدنظرخواه، فراتر از یک همکاری ساده، با مقامات داشته باشد. به عبارتی، مساعدت اساسی مستلزم افشای کامل تمام اطلاعاتی است که شخص در ارتباط با نقض قوانین در بیانیه کتبی امضا کرده و همکاری کامل با تحقیق و قضاوت در پرونده در هر مورد مربوط به آن از جمله ارائه شهادت در جلسه دادرسی در صورت درخواست توسط مقامات یا هیأت استماع. علاوه بر این، اطلاعات ارائه شده باید معتبر باشد و باید بخش مهمی از هر پرونده‌ای را که شروع می‌شود، شامل شود یا اگر هیچ پرونده‌ای شروع نشده باشد، باید مبنای کافی را برای اثبات پرونده فراهم کند (CAS). (2018/5800: Para.1 به هر حال هیأت متذکر می‌شود که کمک‌های اساسی فقط در حالت‌هایی استثنایی به تبرئه منجر می‌شود.^۲

۷. نتیجه

آرای دیوان داوری ورزش، نقش شایان توجهی در جهت مقابله با معضل بزرگ تبانی در نتیجه بازی دارند. اگرچه رویه دیوان در پرونده‌های تبانی، عمر نسبتاً کوتاهی دارد، اما توسعه روزافزون صلاحیت‌های موضوعی و شخصی دیوان به همراه اتخاذ یک رویه قضایی هماهنگ و مقررات قابل اجرا توسط هیأت‌های منصفه می‌تواند کمک شایان توجهی باشد. اگر رویه دیوان از ساختار منسجم و قابل پیش‌بینی پیروی کند، این امر می‌تواند نظم حقوقی فراملی را پایه‌ریزی کند.

تجزیه و تحلیل رویه و سیاست قضایی دیوان بر اساس آرای موجود، حاکی از تأثیرگذاری فراوان آن بر پدیده تبانی در نتیجه بازی است. از جمله این تأثیرات موارد ذیل است:

اول- اتخاذ رویکرد «تحمل صفر» توسط هیأت‌ها در آرای متعدد، سبب توسعه و گسترش این رویکرد در نهادهای ملی و بین‌المللی ورزشی شده است؛

دوم- مقایسه مجازات‌های تأیید شده توسط دیوان در پرونده‌های تبانی با دوپینگ، نشان می‌دهد دیوان با تخلف تبانی با شدت عمل بیشتری برخورد کرده است، چراکه آرای دیوان در پرونده‌های دوپینگ در موارد متعددی شامل محرومیت‌های کوتاه مدت یک تا هشت سال بوده، اما در موارد متعددی در پرونده‌های تبانی، محرومیت‌های مادام‌العمر تأیید شده است؛

سوم- دیوان در مقررات خود، باشگاه‌ها را نیز هدف قرار داده و بر اساس اصل «مسئولیت سخت»،

1. Substantial Assistance

۲. در پرونده مذکور هیأت متقاعد شد که کمک ارائه شده توسط بازیکن (سمیر عرب) به دادگاه‌های مالت باید به عنوان یک عامل تخفیف در نظر گرفته شود، اما کمک ارائه شده آنقدر مهم یا اساسی نیست که به لغو محرومیت وی منجر شود.

آنها را در قبال رفتار بازیکنان یا مقاماتی که در انجام تبانی دخیل اند، مسئول می‌داند و مورد مجازات قرار می‌دهد. همچنین دیوان برای اینکه یک باشگاه را در معرض تدابیر انضباطی خود قرار دهد، بیان می‌دارد همین که برای هیأت از طریق معیار رضایت بدون تردید مسجل شود اعضا، مقامات، هواداران یا بازیکنان باشگاه درگیر یک فعالیت تبانی هستند، برای ایجاد مسئولیت و در نهایت مجازات یک باشگاه کفایت می‌کند (پرونده اسکندریو). دیوان معتقد است مجازات‌ها باید به گونه‌ای باشد که نه تنها مانع از دستکاری افراد در مسابقات شود، بلکه سایر اعضای باشگاه را نیز تشویق کند که در صورت آگاهی، اقدام کنند. در حقیقت دیوان معتقد است برای مقابله با تبانی، باید بیش از پیش به یک سیستم خودکنترلی درون باشگاه‌ها، اتکا کرد؛

چهارم- دیوان حتی عدم گزارش‌دهی تبانی در نتیجه بازی توسط ورزشکاران یا عواملی را که در جریان یک فرایند تبانی در نتیجه بازی قرار می‌گیرند، تخلف تلقی کرده و مجازات آن را تأیید می‌کند (پرونده N&V). دیوان در همین رأی، عدم گزارش به مقامات را نقض اصول وفاداری، یکپارچگی و اخلاق ورزشی دانسته، که ورزش را بدنام کرده و به دخالت (حداقل منفعلانه) در تلاش برای رشوه ختم می‌شود. به همین دلیل، هیأت منصفه تأیید یک مجازات شدید را موجه می‌داند، زیرا بازیکن به عمد از گزارش رویکرد تبانی در نتیجه بازی، صرف‌نظر کرده است؛

پنجم- دیوان در رسیدگی‌های خود، موفقیت در انجام یک فرایند تبانی را شرط لازم نمی‌داند، بلکه صرف شروع به اقدام به تبانی را مستوجب مجازات تشخیص می‌دهد. از آنجا که تبانی، ورزش را به یک کل تضعیف می‌کند، اینکه آیا یک شخص در فیکس کردن یک مسابقه به طور کامل موفق شده است یا خیر، اهمیت کمتر و ثانویه‌ای خواهد داشت (رأی دانیل کولر). البته نواقصی هم در ساختار و رویه رسیدگی دیوان وجود دارد که می‌تواند این گزاره را تقویت کند که نقش دیوان در جلوگیری و بازدارندگی از تبانی در نتیجه بازی موثر نبوده و فاقد کارایی لازم است، چراکه دیوان توان اجرایی محدودی داشته و هیأت‌های منصفه هم اختیار محدودی برای تعدیل مجازات‌ها دارند که آن هم ناظر بر مجازات‌های آشکارا و به شدت نامتناسب با جرم هستند. هرچند دیوان برابر ماده ۵۷ مقررات خود، دارای قدرت و اختیارات تام برای رسیدگی به پرونده است، اما به هر صورت، مسئولیت ثانویه دارد و مسئولیت اصلی بر عهده نهادهای ورزشی است که باید با تنظیم صحیح قوانین و مقررات ورزشی، یکپارچگی ورزش را حفظ کنند و چهره عمومی خوبی از ورزش در جامعه برجای بگذارند.

از طرف دیگر نگاهی آماری به وضعیت پدیده تبانی در نتیجه بازی حاکی از افزایش کمی و کیفی تبانی در نتیجه بازی در سال‌های اخیر است. بررسی گزارش سال ۲۰۲۳ اسپورت رادار^۱ نشان می‌دهد در

1. Sportradar AG, "Betting Corruption and Match-Fixing in 2022: A Review by Sportradar Integrity Services", (March 2023).

سال ۲۰۲۲ تعداد مسابقات مشکوک به تبانی کشف شده، با افزایش ۳۴ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۱ مواجه شده است. این آمار بیشترین عدد از زمان راه اندازی سیستم جهانی تشخیص تقلب در سال ۲۰۰۵ است. اگرچه این آمارها نسبت به تعداد کل رویدادهای برگزار شده ورزشی در سال، شایان توجه نیست، اما یادآوری یک واقعیت آشکار است که تبانی در نتیجه بازی همچنان یک تهدید ثابت و رو به رشد در جهان ورزش بوده و نشان دهنده آسیب پذیری رویدادهای ورزشی در برابر دستکاری های مرتبط با شرط بندی است.

افزایش کمی موارد تبانی، ابتدائاً می تواند نشانه ای برای عدم بازدارندگی مؤثر اقدامات رو به توسعه نهادهای بین المللی ورزشی و دیوان داوری ورزش باشد. اما بلافاصله نباید چنین نتیجه گیری کرد و این اقدامات را فاقد کارایی و تأثیر لازم دانست، بلکه تحلیل آمارها نشان می دهد عوامل متعددی در این افزایش، دخیل بوده است:

اولاً افزایش نفوذ سیستم جهانی تشخیص تقلب در سرتاسر جهان سبب شده امروزه این سیستم بیش از ۸۵۰ هزار مسابقه ورزشی را در بیش از ۷۰ رشته ورزشی در سطح جهان تجزیه و تحلیل کند. پذیرش فزاینده این سیستم توسط جهان ورزش، سبب شده در سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۶۰ سازمان ورزشی از این سیستم برای نظارت بر مسابقات خود استفاده کنند و از آنجا که ارائه این خدمات به صورت رایگان انجام می شود، بی شک در آینده با افزایش اعضای آن مواجه خواهیم بود. بدیهی است این امر موجب افزایش آمار کشف تبانی ها خواهد شد که نمی توان آن را صرفاً با افزایش وجودی این پدیده یکسان دانست.

ثانیاً استفاده از فناوری های نوین در این سیستم، از جمله استفاده از هوش مصنوعی برای رصد مسابقات و پلتفرم های شرط بندی، از سال ۲۰۱۸ به بعد به افزایش معنادار موارد مشکوک کشف شده تبانی در نتیجه بازی منجر شده است، زیرا امکان تحلیل تعداد بیشتری از مسابقات و تعداد فزاینده ای از نقاط داده را فراهم می کند. هوش مصنوعی اکنون بیش از ۳۰ میلیارد تغییر شانس را نسبت به بیش از ۶۰۰ اپراتور شرط بندی در سال ردیابی می کند و ما را قادر می سازد تا با نظارت بر حساب های ناشناس یا داده های حساب مشتریان پلتفرم های شرط بندی جمع آوری شده از بنگاه های جهانی، بینش دقیق تری درباره فعالیت های شرط بندی مشکوک در سطح خرد غیر قابل شناسایی داشته باشیم. این فناوری با گذر زمان هوشمندتر می شود و به ما کمک می کند تا در آینده انواع بیشتر و جدیدتری را شناسایی کنیم.

در هر صورت، اگرچه برخی اشکالات و نواقص در ساختار دیوان وجود دارد، لکن می توان گفت قطع به یقین رویه قضایی دیوان سبب توسعه اقدامات قانونی، انضباطی و اداری توسط فدراسیون های ورزشی و نهادهای عمومی در مبارزه با دستکاری در مسابقات ورزشی شده و در آینده نیز خواهد شد. همچنین تجزیه و تحلیل رویه دیوان، علاوه بر مزیت هایی که بیان شد، می تواند منبع مستمر مطالعه برای مجریان قانون، دادستان ها و تمام ذی نفعان پدیده تبانی در نتیجه بازی باشد و سبب باز نویسی مقررات ورزشی و

قوانین ملی و بین‌المللی با رویکرد مقابله بهتر و مطلوب‌تر علیه تبانی شود. ضمن اینکه دیوان با اتخاذ مجازات‌های انضباطی، نقش اساسی در حفاظت از یکپارچگی ورزش خواهد داشت. با وجود همه این مسائل، رجوع به دیوان داوری ورزش، بی‌شک تنهاترین و مؤثرترین راه برای عبور از مشکل تبانی در نتیجه بازی نیست.

نتیجه‌گیری از مطالب بیان‌شده که مستند به گزارش‌های آماری تبانی در نتیجه بازی است، حاکی از آن است که می‌توان در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش بیان کرد راهکارهای متعددی که دیوان داوری ورزش در رویه قضایی خود برای مقابله با فساد در ورزش از طریق تبانی در نتیجه بازی ایجاد کرده، راهکارها و ابتکارات مؤثری بوده و بازدارندگی مناسبی را هم ایجاد کرده است، اما به‌نظر می‌رسد در حوزه پیشگیری از تبانی در نتیجه بازی، رویه دیوان هنوز نتوانسته است آنچنان که باید، مؤثر و مفید واقع شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. وکیل، امیرساعد (۱۳۹۴). *حقوق بین‌الملل ورزش و فوتبال*. تهران: مجد.

ب) مقالات

۲. زاهدی، مهدی؛ دادگر، علی؛ زمانی، سیدقاسم؛ شهبازی، آرامش (۱۳۹۷). دوپینگ و واکاوی رویه دیوان داوری ورزش در مقابله با آن. *فصلنامه حقوق پزشکی*، ۱۲(۴۵)، ۱۷۱-۱۹۰.
۳. وکیل، امیرساعد؛ ابراهیمی، احمد (۱۴۰۳). ماهیت حقوقی تبانی در نتیجه بازی در حقوق بین‌الملل ورزش. *پژوهش حقوق عمومی*، ۲۵(۸۲)، ۱۹۴-۱۵۵. Doi: 10.22054/qjpl.2023.72155.2871

۲. انگلیسی

A) Books

1. Lindholm, J. (2019). *The Court of Arbitration for Sport and Its Jurisprudence*. The Hague: T.M.C. Asser Press. Doi:10.1007/978-94-6265-285-9.
2. United Nations Office on Drugs and Crime-UNODC. (2016). *Criminal Law Provisions for the Prosecution of Competition Manipulation*. Lausanne/Switzerland: the International Olympic Committee Publication.
3. United Nations Office on Drugs and Crime-UNODC. (2021). *Legal Approaches to Tackling the Manipulation of Sports Competitions: A Resource Guide*. Vienna: United Nations Publication.

4. United Nations Office on Drugs and Crime-UNODC & International Centre for Sport Security-ICSS. (2016). *Resource Guide on Good Practices in the Investigation of Match-Fixing*. New York: United Nations Publication.

B) Articles

5. Andreff, W. (2018). Different Types of Manipulation in Sport. In: Breuer, M. & Forrest, D. (eds), *The Palgrave Handbook on the Economics of Manipulation in Sport*. Switzerland: Palgrave Macmillan, Cham, 13–35. Doi:10.1007/978-3-319-77389-6_2.
6. Barak, E., & Koolgaard, D. (2014). Match-fixing: The Aftermath of Pobeda – What have the Past four Years Brought us?. *CAS Bulletin*. (1), 5-24.
7. Chappelet, J. L. (2015). The Olympic Fight against Match-Fixing. *Sport in Society*. Vol.18, No.10, 1260–1272. Doi:10.1080/17430437.2015.1034519.
8. Diaconu, M., Kuwelkar, S., & Kuhn, A. (2021). The Court of Arbitration for Sport Jurisprudence on Match-Fixing: A Legal Update. *The International Sports Law Journal*. (21), 27-46. Doi:10.1007/s40318-021-00181-3.
9. Hessert, B., & Ling Goh, Ch. (2022). A Comparative Case Study of Match-Fixing Laws in Singapore, Australia, Germany and Switzerland. *Asian Journal of Comparative Law*. 17(2).
10. Lindholm, J. (2019). Structure of CAS's Jurisprudence. In: ASSER International Sports Law Series. T.M.C. , *The Court of Arbitration for Sport and Its Jurisprudence*. The Hague: Asser Press. Doi:10.1007/978-94-6265-285-9_6.
11. Palermo, G., & Williams, B. (2018). Match-Fixing and the Evolution of CAS Jurisprudence. *CAS Bulletin*. (2), 8-25.
12. Primorac, D., & Pilić, M. (2020). SUZBIJANJE MANIPULACIJE SPORTSKIM NATJECANJIMA PREMA KONVENCIJI VIJEĆA EUROPE CETS BRoJ 215. *Zbornik radova Pravnog Fakulteta u Splitu*. (57), 353-374. Doi:10.31141/zrpf.2020.57.136.353.
13. Silvero, E. G. (2018). The Match-Fixing Eligibility Criteria in UEFA Competitions: An Overview of CAS Case Law. *CAS Bulletin*. (1), 6-20.
14. Smith, A. (2023). Criminal Offences for Match-Fixing: Observations on the Current Framework and Suggestions for Future National Legislation. *Sports Law and Governance Journal*. Vol1, Issue1, 22-23.
15. Tweedie, J. W., & Holden, J. T. (2022). A Legal Perspective on Match-Fixing. In : Constandt, B. & Elisavet M. A. *Understanding Match-Fixing in Sport: Theory and Practice*. London.

C) Documents

16. Council of Europe Treaty Series (CETS), No.215 (2014). Council of Europe Convention on the Manipulation of Sports Competitions.
17. International Olympic Committee (IOC), Olympic Charter, (2021) Edition, October.
18. Recueil Officiel des arrêts du Tribunal Fédéral Suisse, 95, I 16.
19. Swiss Civil Code of 10 December 1907 (Status as of 1 January 2021), Art 8.

D) Cases

20. CAS 2009/A/1920, FK Pobeda, Aleksandar Zabrcanec, Nikolce Zdraveski v. Union of

- European Football Association (UEFA).
21. CAS 2010/A/2172, O. (Oleg Oriekhov) v. Union of European Football Association (UEFA).
22. CAS 2010/A/2266, N.(Norbert Mészáros) & V.(Vukasin Poleksic) v. Union of European Football Association (UEFA).
23. CAS 2011/A/2362, Mohammad Asif v. International Cricket Council (ICC).
24. CAS 2011/A/2364, Salman Butt v. International Cricket Council (ICC).
25. CAS 2011/A/2425, Ahongalu Fusimalohi v. Fédération Internationale de Football Association (FIFA).
26. CAS 2011/A/2490, Daniel Köllerer v. Association of Tennis Professionals, Women's Tennis Association, International Tennis Federation & Grand Slam Committee.
27. CAS 2011/A/2528, Olympiakos Volou FC v. Union of European Football Association (UEFA).
28. CAS 2011/A/2621, David Savic v. Professional Tennis Integrity Officers (PTIOs).
29. CAS 2013/A/3062, Kevin Sammut v. Union of European Football Association (UEFA).
30. CAS 2013/A/3256, Fenerbahçe Spor Kulübü v. Union of European Football Association (UEFA).
31. CAS 2013/A/3258, Besiktas Jimnastik Kulübü v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA).
32. CAS 2013/A/3297, Public Joint-Stock Company "Football Club Metalist" v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA) & PAOK FC.
33. CAS 2014/A/3467, Guillermo Olaso de la Rica V. Tennis Integrity Unit (TIU).
34. CAS 2014/A/3625, Sivasspor Kulübü v. Union of European Football Association (UEFA).
35. CAS 2014/A/3628, Eskişehirspor v. Union of European Football Association (UEFA).
36. CAS 2015/A/4351, Vsl Pakruojis FK, Darius Jankauskas, Arnas Mikaitis, Sigita Olberkis, Valdas Pocevicius, Alfredas Skroblas, Donatas Strockis, Diogo Gouveia Miranda, C.H. Alexandru, Taras Michailiuk v. Lithuanian Football Federation.
37. CAS 2016/A/4642, Phnom Penh Crown Football Club v. Asian Football Confederation (AFC).
38. CAS 2016/A/4650, Klubi Sportiv Skënderbeu v. Union Européenne de Football Association (UEFA).
39. CAS 2016/A/4783, Fulvio Fantoni & Claudio Nunes v. European Bridge League (EBL).
40. CAS 2017/A/5173, Joseph Odartei Lamptey v. Fédération Internationale de Football Association (FIFA).
41. CAS 2018/A/5734, KS Skënderbeu v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA).
42. CAS 2018/A/5800, Samir Arab v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA).
43. CAS 2018/A/5808, AC Milan v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA).
44. CAS 2018/A/5906, Kyle Cesare v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA).

45. CAS 2018/A/5920, Emanuel Briffa v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA).
46. CAS 2018/A/5939, Patricio Heras v. Tennis Integrity Unit / Professional Tennis Integrity Officers (PTIOs).
47. CAS 2020/A/7366, Umar Akmal v. Pakistan Cricket Board (PCB) & The Independent Adjudicator on the Appeals & The Anti-Corruption Tribunal.
48. CAS 2022/A/8651, Edgars Gauračs v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA).

